



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

DER SPIEGEL

تلاش برای بازگرداندن
دارایی‌های ایران در لوکز امبورگ

گویا ایران به دنبال دسترسی به میلیاردها دلار دارایی‌اش در خارج از کشور است. این دارایی‌ها در حال حاضر در اختیار یکی از شرکت‌های تابعه دوپچه بورس (بازار اوراق بهادار آلمان) قرار دارد و به دلیل تحریم‌های آمریکا سال‌هاست که مسدود شده است. اشیپگل دریافته است که ایران تلاش‌هایی را برای دسترسی، دست‌کم به بخشی از این دارایی‌ها که ارزش اولیه آن معادل ۴/۹ میلیارد دلار بود، آغاز کرده است. بخشی از اوراق بهادار بانک مرکزی ایران توسط شرکت کلی پراستریم در لوکز امبورگ نگهداری می‌شود. بخشی از این اوراق بهادار نیز در اختیار یک بانک ایتالیایی است. کلی پراستریم تمامی حساب‌های مرتبط با بانک مرکزی ایران را مسدود کرده است. کارشناسان بین‌المللی امنیتی معتقدند که ایران برای نیروهای نظامی خود نیاز فوری به پول نقد دارد. نیروهای مسلح ایران به این پول‌ها برای پرکردن مجدد انبارهای تسلیحاتی خود و شبه‌نظامیان لبنانی حزب الله نیاز دارند. همچنین ایران به این پول‌ها نیاز دارد تا تعهدات خود را در توافقنامه‌های تسلیحاتی با روسیه پرداخت کند. به گفته کارشناسان، نیروهای نظامی ایران کاملاً با بودجه ملی تامین مالی نمی‌شوند و انتظار می‌رود که برخی از نیازهای مالی خود را خودشان تامین کنند. برای مثال بخشی از تولید نفت کشور در اختیار نیروهای مسلح قرار گرفته است که درآمدهای حاصل از فروش آن در اختیار این نهادها قرار می‌گیرد. اما تحریم‌های بین‌المللی باعث شده است که فروش این نفت روز به روز سخت‌تر شود. به تازگی ایالات متحده آمریکا شبکه‌ای از شرکت‌های کاغذی و پوششی را که ایران برای دور زدن تحریم‌ها و فروش نفت خود استفاده می‌کرد، هدف تحریم قرار داده است. نیروهای مسلح ایران در آستانه ورود به سال ۲۰۲۵ دستاورد مهمی داشتند. به گفته کارشناسان مذاکره‌کنندگان ایرانی توانستند حدود ۲ میلیارد دلار درآمد فروش نفت خام را که در چین نگهداری می‌شد، آزاد کنند. این گزارش نخستین بار توسط وال استریتزورنال منتشر شده بود. احتمال می‌رود که این موفقیت نتیجه تلاش‌های یکی از مدیران شرکت سپهر انرژی بود که از سال ۲۰۲۳ تحت تحریم آمریکا قرار دارد. آمریکایی‌ها باور دارند که سپهر انرژی نقش کلیدی در تامین مالی ارتش ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارد. مقام‌های امنیتی حالا می‌گویند که مجید الف، همان مدیر سپهر انرژی که مسئول موفقیت مذاکرات چین بود، حالا مسئول مطالبه آزاد کردن میلیاردها دلار دارایی‌های مسدود شده در کلی پراستریم شده است. به گفته مقام‌های امنیتی مجید الف و تعدادی دیگر از هم‌راهانش قصد سفر به اروپا دارند و درخواست ویزای سفر داده‌اند. دعوی حقوقی بین ایران، کلی پراستریم و خانواده‌های قربانیان حمله ۱۹۸۳ به پایگاه نظامی آمریکا در بیروت، سال‌هاست که در جریان است. کلی پراستریم بعد از تهدید واشنگتن مبنی بر اینکه اگر دارایی‌های بانک مرکزی را مسدود نکند تحت تحریم قرار خواهد گرفت، سال ۲۰۰۸ ۲۰۰۸ نزدیک به ۵ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران را بلوکه کرد. سال ۲۰۱۸ بانک مرکزی ایران از این شرکت تابعه دوپچه بورس شکایت کرد تا اصل دارایی‌ها و بهره آن را دریافت کند. بر اساس گزارش سالانه دوپچه بورس، مدیران بورس آلمان احتمال نمی‌دهند که دعوی حقوقی بانک مرکزی بخت زیادی برای موفقیت داشته باشد. از رقم اولیه نزدیک به ۵ میلیارد دلار، حدود ۱/۹ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران همچنان در اختیار کلی پراستریم در باقی مانده است. یک سخنگوی کلی پراستریم در پاسخ به اشیپگل گفت که این شرکت نمی‌تواند در مورد دارایی‌هایی که به نیابت از مشتریانانش نگهداری می‌کند، اظهار نظر کند. شرکت سپهر انرژی و سفارت ایران در برلین به درخواست اشیپگل برای اظهار نظر پاسخ ندادند.



ایران لیبی نیست

بازخوانی روند خلع سلاح هسته‌ای و سقوط معمر قذافی

از تحریم نفتی به عنوان سلاحی علیه منافع غرب استفاده کنند. قذافی به سرعت تامین مالی و تسلیحاتی گروه‌های شورشی و شبه‌نظامی در بخش‌های مختلف جهان را آغاز کرد. لیبی، در کنار یمن جنوبی، عراق و سوریه، نخستین چهارکشوری بودند که در دوران جیمی کارتر در فهرست تازه ایجاد شده «دولت‌های حامی تروریسم» قرار گرفتند. قذافی سودای تبدیل لیبی به یک قدرت جهانی داشت. او با تفسیر خاص خود از قرآن، متنی با عنوان «کتاب سبز» به عنوان مانیفست حکومتی لیبی منتشر کرد و ادعا می‌کرد که راهکاری جایگزین به جای کمونیسم شرقی و سرمایه‌داری غربی تدوین کرده است. از جمله اقدامات او در این دوران بستن آب‌های بین‌المللی خلیج سرت بر دریانوردی بین‌المللی بود. سال ۱۹۸۱ دولت ایالات متحده تصمیم گرفت سفارت لیبی در واشنگتن را تعطیل کند و دیپلمات‌های لیبیایی را از خاک آمریکا اخراج کند. سال ۱۹۸۶ نقش تعدادی از مأموران لیبی در انفجار یک کلوب شبانه آلمانی که باعث کشته شدن ۲ سرباز آمریکایی و جراحت ۲۳۰ تن دیگر شد، روابط لیبی و غرب را از همیشه تیره‌تر کرد. قذافی برای نشان دادن اقتدارش بر کشتی سوار شد و به آب‌های خلیج سرت رفت و خطاب به ناوگان ششم نیروی دریایی آمریکا هشدار داد که «اگر جرأت دارند از خط مرگ» عبور کنند. روزاندر ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در واکنش به اقدامات قذافی دستور حمله به اهداف نظامی را در کاخ او صادر کرد که باعث کشته شدن دست‌کم ۱۵ لیبیایی و مجروح شدن ده‌ها نفر دیگر شد. دو سال بعد در دسامبر ۱۹۸۸ مأموران دولت لیبی هواپیمایی خطوط هوایی پان‌آمریکن را بر فراز اسکاتلند منفر کردند و چندی بعد هواپیمای خطوط هوایی فرانسوی UTA را بر فراز نیجر بمب‌گذاری کردند. در این دو انفجار دست‌کم ۴۰۰ غیرنظامی کشته شدند. در همین دوران قذافی برای دستیابی به بلندپروازی‌های بین‌المللی‌اش به دنبال توسعه توان نظامی لیبی بود. در حالی که رهبر لیبی در دیدار با رهبران و دیپلمات‌های خارجی با حرکات خارج از عرف و اظهارات غریب سعی بر تحت‌تاثیر قرار دادن آنها داشت، ارتش لیبی برنامه گسترده‌ای برای تولید سلاح‌های شیمیایی آغاز کرد. بعد از چندی برنامه هسته‌ای نیز به برنامه تسلیحاتی معمر قذافی اضافه شد و تلاش کرد با استفاده از تجهیزات بازار سیاه یک برنامه اتمی در لیبی راه‌اندازی کند.

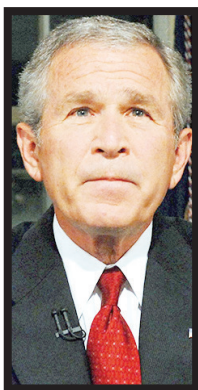
برنامه هسته‌ای لیبی

حکومت ادریس شاه، پادشاه وقت لیبی در سال ۱۹۶۸ پیمان جهانی عدم اشاعه هسته‌ای را امضا کرده بود. یک سال بعد از امضای این پیمان، معمر قذافی در کودتایی

او با غرب ایجاد کرد. قذافی شخصاً اعلام کرد که برای برخی اقدامات تروریستی که باعث کشته شدن غیرنظامیان شده است متاسف است و حتی حاضر شد غرامت برخی از عملیات تروریستی که با حمایت دولت او انجام شده بود پرداخت شود. بعد از برداشته شدن تحریم‌های لیبی و گشایش در روابط با غرب، وضعیت اقتصادی لیبی نسبت به گذشته بهبود پیدا کرد و حتی سلطه قذافی بر قدرت هم تقویت شد. تصمیم قذافی به چرخش در سیاست خارجی، حتی پیش از مذاکرات با آمریکا یا حملات ۱۱ سپتامبر گرفته شده بود. قذافی در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه تایم، گفته بود که تغییرات ژئوپلیتیک باعث شده است که او به فکر تغییر حوزه نفوذ از خاورمیانه به قاره آفریقا بیفتد. در واقع قذافی می‌خواست که سودای رهبری جهان عرب و پرچم‌داری منازعه فلسطین را کنار بگذارد و خود را به عنوان رهبری قابل اعتنا در قاره آفریقا معرفی کند. در عین حال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، باعث شد که قذافی در رویکرد خود نسبت به غرب تجدیدنظر کند و به جای تلاش برای فروپاشی نظام سرمایه‌داری به رهبری آمریکا، به دنبال ایجاد رابطه‌ای دوستانه با غرب باشد. اینها انگیزه‌هایی بود که نهایتاً به اعلامیه ۱۹ دسامبر ۲۰۰۳ و اعلام توقف برنامه‌های تولید سلاح کشتار جمعی لیبی منجر شد.

روابط قذافی و غرب

معمر قذافی، دیکتاتور پیشین لیبی از همان نخستین روزهای رسیدنش به قدرت پس از کودتا در لیبی، رویکرد تهاجمی و خصمانه‌ای در قبال غرب بر پیش گرفته بود. بعد از شورش افسران در سال ۱۹۶۹، معمر قذافی جوان خود را به درجه سرهنگی ارتقا داد و قدرت را در لیبی قبضه کرد. او به سرعت تصمیم گرفت که پایگاه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا و بریتانیا را در آمریکا تعطیل کند. از جمله این پایگاه‌ها، پایگاه هوایی ویلاس در سواحل مدیترانه‌ای لیبی در نزدیکی طرابلس بود. پایگاه هوایی ویلاس مرکز فرماندهی استراتژیک نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا بود که از دهه ۱۹۵۰ مورد استفاده قرار می‌گرفت و میزبان بمب‌افکن‌های حامل سلاح اتمی آمریکا بود اما این پایان کار قذافی در خصوصت با دولت‌های غربی نبود. رهبر لیبی در همان سال‌های نخست حکومتش امتیازهای خارجی را لغو کرد، دارایی‌های متعلق به شرکت‌های خارجی را مصادره و ملی اعلام کرد. او نه تنها میادین نفتی را از اختیار کمپانی‌های خارجی و چندملیتی خارج کرد، بلکه از سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) خواست تا



او با غرب ایجاد کرد. قذافی شخصاً اعلام کرد که برای برخی اقدامات تروریستی که باعث کشته شدن غیرنظامیان شده است متاسف است و حتی حاضر شد غرامت برخی از عملیات تروریستی که با حمایت دولت او انجام شده بود پرداخت شود. بعد از برداشته شدن تحریم‌های لیبی و گشایش در روابط با غرب، وضعیت اقتصادی لیبی نسبت به گذشته بهبود پیدا کرد و حتی سلطه قذافی بر قدرت هم تقویت شد. تصمیم قذافی به چرخش در سیاست خارجی، حتی پیش از مذاکرات با آمریکا یا حملات ۱۱ سپتامبر گرفته شده بود. قذافی در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه تایم، گفته بود که تغییرات ژئوپلیتیک باعث شده است که او به فکر تغییر حوزه نفوذ از خاورمیانه به قاره آفریقا بیفتد. در واقع قذافی می‌خواست که سودای رهبری جهان عرب و پرچم‌داری منازعه فلسطین را کنار بگذارد و خود را به عنوان رهبری قابل اعتنا در قاره آفریقا معرفی کند. در عین حال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، باعث شد که قذافی در رویکرد خود نسبت به غرب تجدیدنظر کند و به جای تلاش برای فروپاشی نظام سرمایه‌داری به رهبری آمریکا، به دنبال ایجاد رابطه‌ای دوستانه با غرب باشد. اینها انگیزه‌هایی بود که نهایتاً به اعلامیه ۱۹ دسامبر ۲۰۰۳ و اعلام توقف برنامه‌های تولید سلاح کشتار جمعی لیبی منجر شد.

شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی



۹ ماه بعد از آغاز تهاجم نظامی آمریکا به عراق، بیانیه ۱۹ دسامبر ۲۰۰۳ دولت معمر قذافی، مبنی بر آمادگی لیبی برای برچیدن برنامه تولید سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله برنامه تسلیحات شیمیایی و برنامه هسته‌ای، تحولی غافل‌گیرکننده برای جهانیان محسوب می‌شد. هر چند لیبی در زمان تسلیم برنامه تسلیحاتی‌اش، از لحاظ تولید موشک و سلاح‌های شیمیایی و میکروبی به دستاوردهایی رسیده بود، اما به گفته محمد البرادعی، مدیرکل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بعد از خروج اسناد و تجهیزات اتمی از لیبی، این کشور دست‌کم ۳ تا ۷ سال با رسیدن به شرایط لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای فاصله داشت. آنچه امروز به عنوان خلع سلاح اتمی لیبی در گزارش‌ها و تحلیل‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرد، در واقع اشاره به جمع‌آوری اسناد و مدارک و سانتریفیوژهایی است که از بازار سیاه تهیه شده بود و هنوز حتی در مرحله غنی‌سازی اورانیم نیز قرار نداشت.

در حالی که تردیدهای زیادی در مورد نیت و اهداف قذافی از اعلام این تغییر ۱۸۰ درجه در موضع دولتش وجود داشت، اما تحولات بعدی نشان داد که لیبی کاملاً در قصد خود برای کنار گذاشتن برنامه‌های تولید سلاح کشتار جمعی و کاهش حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی جدی بود. تحلیل‌های بسیار زیادی در مورد دلایل و نتایج این تصمیم معمر قذافی وجود دارد. برخی تحلیل‌گران آمریکایی، اقدام لیبی را در کنار گذاشتن برنامه تولید سلاح‌های کشتار جمعی «تنها نتیجه مثبت» حمله آمریکا به عراق توصیف می‌کنند. در عین حال بسیاری معتقدند که سقوط و کشته شدن معمر قذافی در پی خیزش‌های موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱ به دلیل کوتاه آمدن او در مقابل غرب رخ داده است. با این حال مذاکرات دولت قذافی و غرب برای رسیدن به یک توافق جامع برای بهبود روابط، خیلی پیش از حمله آمریکا به عراق آغاز شده بود و در عین حال فاصله ۸ ساله از زمان بیانیه کنار گذاشتن برنامه سلاح‌های کشتار جمعی لیبی و سقوط معمر قذافی در پی تحولات گسترده خاورمیانه وجود دارد.

قذافی رهبری بود که از سوی روزاندر ریگان، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا با عنوان «سگ دیوانه» خطاب شده بود. اما توافق سال ۲۰۰۳ با غرب، تغییر و تحول اساسی در روابط